

گفتگو

جامعه‌شناسی در فرانسه

مصاحبه با ژان ایو، تروپو استاد و رئیس بخش جامعه‌شناسی دانشگاه متز^۱ (فرانسه)*

● آقای تروپو (ژ.ا.)! لطفاً کمی از خودتان و کارتان در دانشگاه صحبت کنید.

■ من اکنون هشت سال است که در دانشگاه متز استاد جامعه‌شناسی هستم. پنجاه سال دارم. در سال ۱۹۸۳ وارد دانشگاه متز شدم و رتبه دست‌یاری و استادیاری^۲ را گذراندم. قبل از آمدن به دانشگاه به مدت دو سال در دبیرستان معلم فلسفه بودم و تصور می‌کنم آشنایی با فلسفه می‌تواند آدمی را از قیدهای تجربه‌گرایی و اثبات‌گرایی محض، که مختص جامعه‌شناسان است، نجات دهد. وقتی که به دانشگاه متز آمدم تنها جامعه‌شناس این دانشگاه بودم، اما حال هشت نفریم که همه به صورت رسمی عضو هیأت علمی هستیم. ۴۵ نفر هم در کارهای تحقیقاتی و راهنمایی و تدریس به صورت غیر رسمی و استخدامی، فعالیت می‌کنند که بدون آنها در واقع ما نمی‌توانیم کاری از پیش ببریم.

در طول این سالها سعی کرده‌ام رشته جامعه‌شناسی را در این دانشگاه تقویت کنم. گروه تحقیقات انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی را تشکیل داده‌ام که در زمینه‌های مختلف از جمله جامعه‌شناسی مشاغل و تخصص، هنر، بهداشت و اعتیاد، تربیت و... تحقیق می‌کنیم و چندین پروژه تحقیقاتی نیز داریم که در صدد اجرای آنها هستیم.

● نظر شما که جامعه‌شناس کار و شغل هستید، درباره جامعه‌شناسی چیست؟

■ من باقالبی و تخصصی کردن جامعه‌شناسی موافق نیستم. ترجیح می‌دهم مرا جامعه‌شناس بدانند تا جامعه‌شناس کار، تربیت یا خانواده؛ هر چند تخصص من جامعه‌شناسی کار و شغل است؛ اما درباره جامعه‌شناسی شناخت هم کتاب نوشته‌ام و در آن فصلی است مشترک بین جامعه‌شناسی کار و شغل و جامعه‌شناسی شناخت.

1 . Metz

* . مصاحبه کننده: آقای دکتر سید حسن حسینی استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

2 . Maître de conference; assistant

● شما بیشتر به کدام یک از حوزه‌های جامعه‌شناسی گرایش دارید؟

■ تفکر جامعه‌شناختی من، در واقع، حد فاصل ساختارگرایی کارکردی که پیربورديو در فرانسه در آن صاحب‌نظر است و کنش متقابل سمبلیک که در فرانسه بسیار طرفدار دارد، قرار می‌گیرد. معرف‌های اصلی کنش متقابل سمبلیک، البته، در آمریکا هستند، اما در فرانسه نیز بسیاری به آن گرایش دارند.

ده سال پیش با لوک بولتانسکی^۱ که معرف این خط میانی است، همکار بودم. او ظاهراً بر این عقیده است که در جامعه‌شناسی می‌توان درباره معانی رفتار بازیگران اجتماعی تحقیق کرد. نه معانی‌ای که به رفتار تحمیل شده است. یعنی سعی می‌کند نشان دهد که آدمی به چیزهایی که مشروع است رو می‌آورد و هر کس با روی آوردن به آنها در واقع خود را می‌شناسد. شاید به همین دلیل است که بولتانسکی در زمینه حقوق به معنای انگلیسی آن پژوهش می‌کند، یعنی به معنای آن چیزهایی که عادلانه یا غیر عادلانه است.

من هم می‌خواهم چنین باشم. در آغاز کارم در این اندیشه بودم که کاربردی برای جامعه‌شناسی بیایم و به همین دلیل با آثار مارکس^۲ انس گرفتم. امروز فکر می‌کنم که در آثار مارکس نکته‌های جالب و مهمی وجود دارد، اما شاید مارکسیسم آن چیزی نباشد که ما شناخته‌ایم یا در جامعه مطرح شده است.

● جامعه‌شناسی فرانسه دارای چه جایگاه و چه ویژگی‌هایی است؟

■ سؤالی است بسیار کلی و نمی‌توان با چند جمله به آن پاسخ داد.

● پس سؤال را دو قسمت می‌کنیم.

■ بله، در واقع به دو سؤال پاسخ می‌دهم: ویژگی‌های جامعه‌شناسی فرانسه و جایگاه کنونی آن. تصور می‌کنم نخستین ویژگی جامعه‌شناسی فرانسه منحصر به فرد بودن آن است. یعنی به نظر می‌رسد که فرانسویها در جامعه‌شناسی سبک ویژه‌ای دارند که می‌توان آن را حد فاصل مباحث نظری و دستاوردهای تجربی دانست. جامعه‌شناسی فرانسه دارای پیشینه‌ای مبتنی بر نظریه است و در این اندیشه است که معرف جامعه‌شناسی برتر و نظریه برتر (فراگیر) باشد و در عین حال بررسی‌های عینی را نیز در زمینه‌های مختلف مدنظر قرار دهد. تصور می‌کنم از این جهت جامعه‌شناسی فرانسه از جامعه‌شناسیهای کشورهای دیگر عقبتر نیست.

یک نکته را هم اضافه کنم که بسیاری از مباحثی که در جامعه‌شناسی انگلیسی و آمریکا

1 . Luc Boltensqui

2 . K. Marx

مطرح شده از قبیل مسائل و موضوعاتی چون نوگرایی، پست مدرنیسم، قومیت‌های فرهنگی و... در جامعه‌شناسی فرانسه چندان مورد توجه نبوده است. یعنی درباره این موضوعات در فرانسه خیلی کم کار شده است. و آنچه انجام شده کار اساسی و قابل توجه نبوده است.

آنچه جامعه‌شناسی فرانسه را از دیگر کشورها متمایز می‌کند، عبور از دوره‌ای به دوره دیگر است: یعنی از دوره‌ای که چهار یا پنج جامعه‌شناس نظریه پرداز جامعه‌شناسی فرانسه را توسعه دادند، یعنی بعد از دوره دورکیم یا مارسل موس یا گورویچ، به یک معنا دوره مؤسس‌ها. دومین دوره مربوط می‌شود به کسانی چون بوردیو، کروزیه، بالاندیه، بودون و تورن که طلایه‌دار بودند و این دوره رو به اتمام است. دومین دوره، دوره مهمی است. در این دوره جامعه‌شناسی رو به گسترش نهاده است، به تعداد دانشجویان افزوده شده و پست‌های جامعه‌شناسی در دانشگاه و خارج از دانشگاه فزونی یافته است. این دوره را می‌توان عصر نظم جامعه‌شناسی^۱ یا عصر کلاسیک فرانسه نامید.

این دوره در حال اتمام است و ما در صدیم که در طرح مسائل جامعه‌شناختی تجدید نظر کنیم و این شاید ناشی از اختلاط‌های نظریه‌ای است. یعنی افراد کمتر به یک نظریه یا مکتب وابسته‌اند، در حالی که در "عصرنظم" افراد وابسته به یک نظریه یا مکتب خاص بودند. اکنون جامعه‌شناسی چون فرانسوا دوبه^۲ که شاگرد آلن تورن است، در محدوده فکری نزدیک بولتانسکی یا کسانی که از اتنومتدولوژی^۳ سرمشق می‌گیرند، کار می‌کند. از این رو می‌توان گفت که اختلاط بزرگتری وجود دارد که هنوز کاملاً مستقر نشده است.

جامعه‌شناسی امروز فرانسه به شکل جدیدی رو می‌آورد، اما هنوز شکل غایی را نیافته و تردید و دو دلی بر آن حاکم است. موضوعات بسیاری هم تثبت شده و پژوهشهایی نیز صورت گرفته است، اما به نظر می‌رسد هنوز راهی در پیش است.

از جامعه‌شناسان جدید از بولتانسکی و فرانسوا دوبه نام بردم، اما جامعه‌شناسان دیگری چون کلود دوبار نیز هستند که از جامعه‌شناسان عصر پست کلاسیک^۴ به شمار می‌آیند.

● جامعه‌شناسی فرانسه با چه مشکلاتی روبه روست؟

■ مشکلات را در چند زمینه می‌توان مطرح کرد. نخست گسترش جامعه‌شناسی است که در همه کشورها به چشم می‌خورد و مربوط می‌شود به طرح مسائل جدید جامعه‌شناسی و

1 . Age classique

2 . Francois Dubet

3 . Ethnométhodologie

4 . Post classique

دورنمای آن که باید آن را پشت سر گذاشت.

این مشکل مختص جامعه فرانسه نیست بلکه در همه جامعه شناسیها زمانی می رسد که بنای اندیشه ها سست می شود، به گونه ای که دیگر حرف تازه ای نیست و شاگردان سخن استادان خود را تکرار می کنند.

از دیگر مشکلات جامعه شناسی فرانسه، نهادهای اقتصادی و سیاسی است. اکنون جامعه شناسی فرانسه بیش از گذشته فعال است، برای اینکه جامعه سیاسی و جامعه اقتصادی، برای تحقیقات مربوط به بازاریابی یا مشکلات اداری و سیاسی و همین طور آینده نگری از جامعه شناسی کمک می گیرند و استفاده کنند. اما مشکل از آنجا ناشی می شود که جامعه شناسی هر چند بیش از گذشته در جامعه فعال است اما همچنان آکادمیک و دانشگاهی است. حق این است که جامعه شناسی رابطه برقرار کند بین قاره آکادمیک خود و بازارهایی که درهاشان را به روی او گشوده اند، تا از این طریق بتواند دانشجویان را برای پاسخگویی به نیاز بازارکار آماده سازد. عنایت به جامعه شناسی به عنوان یک حرفه نکته ای است که باید به آن توجه شود.

به یقین جامعه فرانسه باید بیش از آنچه اکنون در نظر گرفته بودجه صرف تحقیقات اساسی جامعه شناسی بکند. مؤسسه های تحقیقاتی بیشتری دایر کند و به آنها امکانات بیشتری بدهد. اکنون اغلب مؤسسه های تحقیق اجتماعی با کمک ناچیز دولت به کار ادامه می دهند و ادامه حیات آنها البته با درآمدهای به دست آمده از شرکتهای محلی و منطقه ای طرف قرار داد آنها امکان پذیر است.

پس عمده ترین مشکل جامعه شناسی فرانسه به سر و سامان دادن موفقیت آمیز آن مربوط می شود و سرانجام اگر بتوانیم نماهای جامعه شناختی را، نسبت به گذشته تجدید کنیم با مشکلات کمتری به نتیجه می رسیم. اینها نکاتی بود که به نظرم رسید و بیان کردم.

● به نظر شما آینده جامعه شناسی فرانسه چیست؟

■ جامعه شناسی فرانسه جدا از جامعه شناسی اروپاییست. یکی از مشکلات عمده به نظر من ضعف تحقیقات مقایسه ای در جامعه شناسی فرانسه است، در حالی که تحقیقات جامعه شناسی مقایسه ای نقطه آغازین جامعه شناسی است و ما در بنا کردن دورنمای مقایسه ای جامعه شناسی از قافله عقب مانده ایم. آنچه سبب می شود جامعه شناسی فرانسه گسترش یابد، این نکته است که این جامعه شناسی بتواند خود را به سطح جامعه شناسی دیگر کشورهای اروپا برساند، در آن صورت است که به سرعت راه ترقی را خواهد پیمود.

نکته دیگر جنبه بین المللی پژوهش است که تردید دارم در آینده از این جهت موفقیتی

به دست آید، برای اینکه بخش اعظم تحقیقات جامعه‌شناختی دنیا به زبان انگلیسی است و جامعه‌شناسان انگلیس چندان مایل نیستند به زبانی جز زبان انگلیسی سخن بگویند یا بنویسند، چراکه می‌خواهند از زبان خودشان حمایت کنند.

آیا جامعه‌شناسان فرانسوی می‌توانند از جامعه‌شناسی به زبان فرانسه حمایت کنند، یا اینکه برای حمایت از جامعه‌شناسی فرانسه باید از زبان انگلیسی کمک بگیرند؟ این موضوع هنوز لاینحل مانده است و اگر این وضع ادامه یابد، مشکل همچنان باقی خواهد ماند.

● با تشکر از شما، امیدوارم در فرصتهای بعد باز هم در حضور شما باشم و سؤالی دربارۀ فرهنگ و جامعه‌شناسی فرهنگ مطرح کنم.

■ من هم از شما تشکر می‌کنم. امیدوارم این مصاحبه‌ها ادامه یابد و برای هموطنان شما

مفید باشد.